؟ واکنش سریع هنگام وقوع زلزله می‌تواند شما را از جراحات احتمالی محافظت کند. حداقل دوبار در سال پناه‌گیری را تمرین کنید.

حرف حساب

شقایق دهقان بی‌حوصله و خسته

چند وقتی می‌شود شقایق دهقان کم‌کارتر از همیشه شده. موضوعی که این بازیگر آن را به سن‌وسال ربط می‌دهد و می‌گوید: «دیگر از بازیگری خسته شده‌ام. یک زمانی من جوان‌تر بودم و حال و حوصله سر و کله زدن در کارها را داشتم اما این روزها آن حال و هوا را ندارم. وقتی جوان‌تر بودم می‌توانستم تمامی فشارهای موجود در بازیگری را با تلاش و جوانی بیشتر پشت سر بگذارم، اما در حال حاضر تحمل این فشارها برای من به شخصه به شدت سخت شده است.» دهقان که امسال فیلم ناگهان درخت را در جشنواره دارد، ادامه می‌دهد: «هیچ‌وقت از سینما گلایه‌ای نداشته و ندارم زیرا عمده فعالیت من همواره در تلویزیون بوده و چندان داخل مناسبات سینمایی نبوده‌ام. در کل کار برای من این روزها خیلی سخت شده و به نوعی دیگر آبم با کسانی که دست‌اندرکار تولیدات سریالی هستند توی یک جوی نمی‌رود.»

رنج دیدنش رو کم می‌کرد، این یکی همونم نداشت. فیلم پر از پلان‌های بیهوده است و قشنگ می‌شه یکساعت کوتاه‌تر بشه و هیچ اتفاقی‌م نیفته». یا: «شبی که ماه کامل شد، فیلمی با دور کند و کسل کننده. خیلی راحت میشه چهل، پنجاه دقیقه از فیلم رو بدون اینکه به روال داستان لطمه‌ای بزنه رو حذف کرد، چون دیالوگ‌های تکراری در پلان‌ها داریم. در سخت بودن ساختار فیلم و ساختنش شکی نیست». برخی نیز به بازی‌ها ایراد گرفته‌اند: «نمی‌دونم چی میشه که یک کارگردان خوب به این نتیجه میرسه که از الناز شاکردوست استفاده کنه و حضورش آن‌قدر روی فیلم تأثیر منفی بگذاره».
و البته یک شوخی بامزه با این فیلم: «تولیسانسه‌ها، به چیزی میدونستن به این حبیب زن نمیدادن»...

نگاه زنانه به رسوایی ریگی

مریم نراقی | «شبی که ماه کامل شد» فیلم مهمی است. فیلمی از یک فیلمساز زن. فیلمسازان زن سینمای ایران اغلب سینمای اجتماعی را دنبال می‌کنند و دغدغه‌هایی زنانه دارند، اما نرگس آبیار فیلمساز متفاوتی است. آبیار بعد از اولین فیلمش، «اشیا از آنچه در آینه می‌بینند به شما نزدیک‌ترند» به سمت سوژه‌هایی با مضمون دفاع مقدس رفت. «شیار ۱۴۳» و «نفس» هر دو فیلم‌هایی عظیم و بیگ پروداکشن محسوب می‌شدند. فیلم‌هایی با لوکیشن‌های متفاوت خارج از تهران و شرایط سخت. اما آبیار با ساخت «شبی که ماه کامل شد» یک برگ برنده رو کرد. او با این فیلم خودش را به رخ می‌کشد، نه در میان زنان فیلمساز که بین فیلمسازان سینمای ایران. حالا او می‌تواند دومین فیلمساز شناخته‌شده زن در جهان باشد که فیلم‌هایی عظیم و بیگ پروداکشن می‌سازد و به خوبی از پس آن برمی‌آید. معروف‌ترین فیلمساز زن که حالا می‌تواند رقیب آبیار باشد، کاترین بیگلو، کارگردان آمریکایی است که با ساخت فیلم «مهلکه یا قفسه درد» در میان مخاطبان عام شناخته شد و در هشتادودومین دوره جوایز اسکار به‌عنوان نخستین زن در تاریخ آکادمی جایزه اسکار بهترین کارگردانی را دریافت کرد.

بیگلو در فیلم «قفسه درد» مانند نرگس آبیار سراغ سوژه‌ای متفاوت و ملتهب رفته بود، داستان چند سرباز آمریکایی به فرماندهی گروهبان اول، ویلیام جیمز (با بازی جرمی رنر) را روایت می‌کند که در خاک عراق مامور خنثی کردن بمب‌های جاده‌ای هستند که شورشیان عراق در معابر سطح شهر کار می‌گذارند. فیلم کاترین بیگلو هم مانند فیلم نرگس آبیار نفس‌ها را در سینه حبس می‌کرد. نرگس آبیار در «شبی که ماه کامل شد» از زاویه‌ای به سوژه پرداخته که درست‌ترین زاویه بود. شاید سوژه زندگی برادر عبدالمالک ریگی (عبدالحمید) با فائزه دختر تهرانی بارها به ذهن فیلمسازان دیگر رسیده بود، اما نتوانسته بودند سراغش بروند. آبیار اما با نگاهی زنانه عشق میان عبدالحمید و فائزه را نشانه رفته بود و در لایه‌های دیگری به جنگ‌های مسلحانه و عملیات‌های جندالله پرداخته بود. «شبی که ماه کامل شد» یکی از جدی‌ترین فیلم‌ها در اختتامیه است و بی‌شک جوایز متعددی را از آن خود می‌کند. الناز شاکردوست و فرشته صدرعرفایی رقبای دریافت بهترین جوایز بازیگر نقش اول زن و بازیگر مکمل زن هستند و هوتن شکیبا شانس زیادی برای دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد دارد. از کارگردانی فیلم هم نمی‌شود چشم‌پوشی کرد و حتی مهمترین شانس برای دریافت بهترین فیلم جشنواره.

حاشیه

«به دلیل مهاجرت شاید دیگه کنارتون نباشم»

واقعا؟ یعنی بی‌پولاد شدیم؟

پولاد کیمیایی از سینمای ایران خداحافظی کرد. او که امسال بالاخره پشت دوربین رفته و فیلم معکوس را ساخته، گفت که از سینمای ایران می‌رود و به‌دلیل مهاجرت دیگر امکان حضور در این عرصه را نخواهد داشت.

پولاد کیمیایی با پستی که گذاشت، دوستدارانش را که بیشتر دوستداران پدرش هستند، شگفت‌زده کرد- حالا که شرایط برای پولاد جور شده و او توانسته اولین فیلمش را که فیلم بدی هم نبوده بسازد، دلیل انتشار چنین خبری چه می‌تواند باشد؟ خودنمایی؟ تیترشدن؟ یا جبران بی‌توجهی رسانه‌ها به فیلم معکوس؟

پولاد کیمیایی که مدت‌هاست وسوسه مهاجرت به جانش افتاده؛ در این‌باره نوشت: «برام خیلی سخته که بگم می‌خوام از سینمای ایران خداحافظی کنم، خیلی سال‌های خوبی بود کنار شما و همکاران عزیزم و خاطرات این سال‌ها همیشه با من خواهد بود، ولی به دلیل مهاجرت شاید دیگه کنارتون نباشم». البته پولاد راه بازگشت را هم باز گذاشته: «شاید هم بعد چندسال برگشتم... هرچی خدا بخواد همون میشه، بدونید تمام این سال‌ها بیشترین تلاشم رو کردم تا جایی که توانم بود تا برای شما خوب ظاهر شم و خودم رو به هنر و اعتماد شما عزیزان متعهد بدونم. اگر بیش از این نشد، امیدوارم روزی بتونم یا در این زندگی یا در زندگی دیگری جبران کنم. به زودی این پیج رو هم خواهم بست ولی قبلش برای شما یک فیلم آخر خواهم گذاشت تااساسی خداحافظی کنیم»...

جالب این که در فضای مجازی این پست شوخی‌های زیادی را موجب شده و خیلی از کاربران مهاجرت پولاد را خبر خوبی عنوان کرده‌اند که «بعد از مدت‌ها باعث خواهد شد پدرش مسعودخان از یک بازیگر درست‌وحسابی در نقش اول فیلم‌هایش استفاده کند». پولادجان به دل نگیر. شوخی بود!

نگاه

چرا به یک مینی‌سریال معرکه فکر نمی‌کنی خانم آبیار؟

«شبی که ماه کامل شد» یک فیلم کم‌نقص، حرفه‌ای و خوش‌ساخت است، در پیشانی سینمای ایران و نشان‌دهنده پیشرفت‌ها و بلوغ این سینما؛ حدودا نود سال پس از ساخت آبی و رابی اوگانسیان. فیلمی که می‌تواند در ویترین سینمای ما قرار بگیرد و حتی سال بعد یکی از نامزدهای ما برای اسکار باشد. فیلمی که می‌تواند در بازارهای جهانی دنبال مشتری بگردد؛ مطمئنا در کشورهای همسایه می‌تواند مشتری‌هایی برای خود پیدا کند. فیلمی که اگر تیتراژش را عوض می‌کردند، برای قرار گرفتن میان مدعیان هالیوودی هم مدعی بود. آخرین فیلم نرگس آبیار تردیدی باقی نمی‌گذارد که او حالا یکی از بهترین کارگردان‌های ماست؛ بسیار بهتر از اغلب کارگردانان نسل قبل که امسال در جشنواره فیلم داشتند. فیلمی که نمی‌شود در هیچ زمینه‌ای ایراد جدی به آن گرفت. فیلمنامه «شبی که ماه کامل شد» داستانی پرکشش و جذاب دارد که برای اثری ساخته‌شده از روی اتفاقات واقعی یک امتیاز بزرگ است. بازی‌ها شایسته تقدیرند؛ به‌خصوص فرشته صدر عرفایی که باید نامزد جدی سیمرغ نقش مکمل باشد. الناز شاکردوست حالا می‌تواند بگوید خود را از فهرست بازیگران گیشه‌ای جدا کرده و توانایی‌هایش را برای حضور در سینمای جدی تثبیت کرده است. هوتن شکیبا هم بهترین بازی‌اش را در سینما عرضه کرده است. صحنه‌پردازی و جلوه‌های ویژه فیلم در خور تحسین است و همه اینها وقتی که یک کارگردان زن را پشت دوربین تصور می‌کنیم، ارزش خود را بیشتر نمایان می‌کند

اما اگر نقدی بر فیلم وارد باشد، همان مسأله‌ای است که آبیار در فیلم‌های قبلی‌اش هم با آنها مواجه بوده است؛ این که او به تایم نمایش و حوصله تماشاگر توجه زیادی ندارد. البته که فیلم تازه او از «نفس» و «شیار ۱۴۳» ریتم بهتری دارد و نفسگیر است، اما باز هم دلیل نمی‌شود که او توجهی به زمان نداشته باشد. در دورانی که سریال‌های فوق‌العاده هالیوودی در عرصه نمایش حکمروایی می‌کنند، اصلا سخت نیست که تصور کنیم فیلم‌های آبیار به شکل سریال نمایش داده شوند؛ نه چیزی از ارزش‌شان کم می‌شود و نه مشکلی برای برگرداندن بودجه خواهند داشت. این که یک فیلم نزدیک به سه ساعته چطور قرار است اکران شود و بلیتش قرار است چه قیمتی بخورد، موضوع ساده‌ای نیست. نرگس آبیار که می‌تواند بر همه محدودیت‌ها غلبه کند و از سوژه‌ای که تمام شرایط را برای افتادن به شعار دارد، فیلمی گرم و غیر شعاری می‌سازد، بعید است که نتواند بین ساخت یک مینی‌سریال در اندازه‌های بین‌المللی، یک «ماه» جمع‌وجورتر و یک فیلم کمی طولانی تصمیم بگیرد. حیف فیلمی چنین گیرا و معرکه نیست؟

حاشیه

طراحان لباس از پوشش خاص و عجیب بازیگران در جشنواره فجر می‌گویند

یک اسپرسو بیاورید، لطفا!

دریا فرج‌پور | جشنواره که شروع می‌شود، تک‌تک رفتارهای سینماگران توی چشم رسانه‌ها و مردم می‌آید و ابعادی غول‌آسا پیدا می‌کند. به‌خصوص لباس و پوشش بازیگران و به‌ویژه بازیگران زن که چون در اغلب مواقع در تضاد با عرف رسمی که از سوی نهادهای خاص تبلیغ می‌شود قرار می‌گیرد، بحث‌انگیز می‌شوند و رنگی از جنجال می‌گیرند.

این قضیه را که تقریبا در تمام ادوار اخیر جشنواره، به‌ویژه در ادوار نزدیک‌تر شاهد بوده‌ایم، امسال نیز به نوعی تکرار شده است. در واقع رسانه‌ها با فوکوس کردن روی این بحث دامنه‌دار از زمانی که فضای اجتماعی کشور در قیاس با دوران جنگ و اوایل دهه ۷۰ رو به سوی بازشدن رفت، بارها و بارها مطرح شده و در اغلب موارد هم حکمی که در پایان صادر شده، به محکومیت بازیگران حاضر در مجامع جهانی انجامیده است؛ از این موضوع در جهت ایجاد جذابیت استفاده کرده‌اند، بگذریم از این که برای رسانه‌هایی خاص موضوعی بدیهی چون انتخاب پوشش سینماگران بدل شده به مسأله‌ای حیاتی که می‌تواند تبعاتی هول‌انگیز داشته باشد.

چندی پیش در مطلبی به بهانه لباس‌های بازیگران ایرانی در فستیوال‌های خارجی نوشتیم که «رد کارپت یا همان فرش قرمز خودمان دنیای عجیب، جالب و پرحاشیه‌ای است. دنیایی که باعث می‌شود هنرمند در یک آن، بیش از تمام تلاش‌هایی که در زمان ایفای نقش کرده، در چهار گوشه دنیا دیده شود. کافی است دو قدم روی این فرش جذاب راه بروی. ناگهان می‌بینی که در سراسر دنیا درباره لباس و ظاهرت صحبت می‌شود. این خاصیت فرش قرمز است؛ دنیای رد کارپت»...

حالا به نظر می‌رسد همان بحث را درباره فستیوال خودمان نیز تکرار کنیم. شاید به این دلیل که سینمای ما با این که در سال‌های اول انقلاب فرش قرمز و پوشش و آرایش و چنین چیزهایی را با انگ ابزارهای سرمایه‌داری و غرب‌زدگی نادیده می‌گرفت، اما هر چه زمان گذشت، ناچار شد این جور چیزها را نیز تحت عنوان الزامات ستاره‌سازی بپذیرد. موضوعی که حالا موضوعی پذیرفته‌شده در سینمای ایران است و البته بحث‌انگیز و جنجالی. موضوعی که زن و مرد هم نمی‌شناسد و اتفاقا به‌رغم این که زنان بیشتر با محدودیت‌های پوششی مواجهند، اما در زمینه لباس‌های عجیب بازیگران مرد ما، گوی سبقت را از زنان ربوده‌اند.

طلیعه ایمانی؛ طراح لباس که تاکنون چندبار لباس‌های بحث‌انگیزی برای نوید محمدزاده طراحی کرده، شخصیت یک بازیگر را عامل مهمی در طراحی لباس‌هایش می‌داند: «همین که می‌بینیم محمدزاده با هر طراحی که کار می‌کند، لباس‌های متفاوتی می‌پوشد، نشان از این دارد که او از طراح چنین چیزی را طلب می‌کند و این به خود او برمی‌گردد و نه طراحانی که با او کار می‌کنند. او از این که سراغ طرح‌های جسورانه برود یا مورد نقد قرار بگیرد، هیچ ابایی ندارد». این طراح درباره منابع الهام طراحی‌هایش می‌گوید: «طرح‌ها را بیشتر براساس شخصیت آن آدم، انتخاب می‌کنم. البته خیلی‌ها گفته‌اند که برای مراسمی چون جشنواره و... بهترین لباس کت‌وشلوار است، اما من دوست دارم کاری کنم کت‌وشلوار تعریف دیگری پیدا کند».

مریم بهرمان طراح دیگری است که لباس‌هایش را بسیاری از سوپراستارهای وطنی پوشیده‌اند. طراحی که کارهایی متفاوت ارایه می‌دهد، کارهایی که خودش اعتقاد دارد «پوشیدن‌شان کار هر کسی نیست». به باور این طراح لباس بیشتر هنرمندان ما درست لباس پوشیدن را بلد نیستند و با لباسی که باید به کافه رفت یا در یک میهمانی خودمانی شرکت کرد، در جشنواره حاضر می‌شوند. مریم بهرمان می‌گوید که «متفاوت و خاص بودن خیلی خوب است اما بعضی‌ها، خاص بودن را با عجیب‌وغریب بودن اشتباه گرفته‌اند. این را در سبک بعضی از بازیگرانی که حتی سیمرغ گرفته‌اند، هم می‌بینیم که مناسب جشنواره نیست و بیشتر به درد کافه‌رفتن می‌خورد». بهرمانی می‌گوید که لازم نیست همه کت‌وشلوار دامادی بپوشند، اما باید لباس رسمی و متفاوتی بپوشند که در شأن یک بازیگر باشد».

حالا در شرایطی که در روزهای اخیر، انتخاب لباس یک بازیگر زن که اتفاقا از طیف بازیگران فیلم‌های نهادهای ارزشی هم بوده، انتقادات وسیع و گسترده‌ای را در رسانه‌هایی خاص به همراه داشته؛ مروری خواهیم داشت به لباس‌های عجیب‌وغریب ستاره‌های سینمای ایران در نشست‌ها و رد کارپت‌ها و فوتوکال‌های جشنواره امسال. لباس‌هایی گاه کاملا عجیب که قرار است حکایت از سلیقه متفاوت صاحبان لباس داشته باشد، اما در نهایت تنها کاری که می‌کند، انگشت‌نما کردن او در رسانه‌های کاغذی و مجازی است- که این خود البته شاید مهمترین هدف از پوشیدن چنان لباس‌هایی باشد.

عکس‌های پایین صفحه امروز را تمامی به این نوع لباس‌ها اختصاص داده‌ایم.

نوید مثل همیشه خاص! این بار برای جنگ آماده می‌شود

شبنم مقدمی سنگین‌ترین و زنانه‌ترین تیپ را بین زنان بازیگر دارد.

صابر ابر و تیپ‌های خاصش شهره عام و خاص است. این بار پالتوی چهارخانه، شلوار جین کوتاه، جوراب قرمز و...

بهنوش بختیاری رنگین‌ترین لباس کل جشنواره را پوشید

بازیگران تازه نفس سینما با پوشش‌های خاص سر زبان‌ها افتاده‌اند؛ این دو نمونه